

رابطه ایجاد تمدن نوین و تاریخ در اندیشه آیت الله خامنه‌ای

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۲/۰۵

تاریخ تأیید: ۹۹/۰۳/۲۹

عباس صفری *

چکیده

مقام معظم رهبری برای توسعه تمدن اسلامی، نظریه جدید «تمدن نوین اسلامی» را مطرح کرده‌اند؛ و با توجه به اینکه در منظومه‌ی فکری رهبر انقلاب اسلامی نگاه دقیق و تحلیلی به تاریخ و رخدادهای آن برای درک درست تحولات بشری و روشن شدن وضعیت موجود و برنامه ریزی برای آینده از جایگاهی مهم و بنیادینی برخوردار است. به همین دلیل ایشان برای تحقق تمدن نوین اسلامی توجه ویژه‌ای به تاریخ دارند. سوال اصلی تحقیق این است که «بر اساس اندیشه رهبری چگونه میتوان از تاریخ برای ایجاد تمدن نوین اسلامی بهره برد؟» برای پاسخگویی به این پرسش به بررسی و بازخوانی نظام‌مند دیدگاه‌های آیت الله خامنه‌ای در خصوص تمدن نوین اسلامی، با تکیه بر تأثیرات تاریخی پرداخته و با روش توصیفی - تحلیلی نحوه بهره برداری ایشان از تاریخ در ایجاد و مفهوم سازی تمدن نوین اسلامی استخراج و توصیف شده است. بر اساس پژوهش حاضر بررسی‌ها حاکی از آن است که از منظر امام خامنه‌ای چون رویدادها و حوادث تاریخی از نظامی منطقی و درونی برخوردار هستند، یافته‌های تاریخی در سیاست گذاری، برنامه ریزی و تصمیم گیری برای تمدن سازی قابل استفاده

* دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ اسلام، دانشگاه باقرالعلوم (ع).

می‌باشند. ایشان با طرح مسائل تاریخی به دنبال نشان دادن علل پیشرفت‌ها و انحطاط‌ها هستند و می‌خواهند سنت‌های حاکم بر جامعه و تاریخ را بیان کند و بدین وسیله، تصویری گویاتر از فرآیند تحقق تمدن نوین اسلامی و کاربست الگوهای تاریخی در ساختن تمدن نوین اسلامی به نمایش بگذارند. همچنین ایشان دین اسلام را به عنوان یک دین مشترک در گذشته و آینده مسلمانان عامل تعمیم‌پذیری تجربیات تاریخی برای سیاست‌گذاری‌های معطوف به آینده برشمرده است. بر این اساس، مهمترین وجه کاربست تاریخ شناخت عوامل پیشرفت و انحطاط تمدن پیشین اسلامی و مد نظر قرار دادن آن برای آینده تمدنی جهان اسلام است.

واژه‌های کلیدی: تمدن نوین اسلامی، آیت الله سید علی خامنه‌ای، فلسفه تاریخ، مطالعات تمدنی، اندیشه تاریخی.

مقدمه

رهبر معظم انقلاب با درایت خویش و با درک مقتضیات زمان، همواره ضرورت توجه به مسائل نوین را در رأس برنامه‌های خود قرار داده است. یکی از آن مسائل، تمدن نوین اسلامی است. طبعاً تحقق این موضوع نیازمند توجه به مسائل مختلفی از جمله تاریخ است.

نگاه دقیق و تحلیلی به تاریخ و رخداد‌های آن برای درک درست تحولات بشری و روشن شدن وضعیت موجود در منظومه فکری ایشان از جایگاهی مهم و بنیادین برخوردار است. نگاه عبرت‌گیرانه به تاریخ برای درک شرایط و وظایف امروز ما ضروری است. همانطور که این وظیفه در قرآن با اشاره به تحلیل علل و عوامل شکوفایی و نیستی برخی تمدن‌ها مورد تأکید قرار گرفته تا دیگر جوامع بشری از آن پند گرفته و از علل و عوامل آسیب‌زای آن پرهیز کرده یا از شکل‌گیری این موارد آسیب‌زا جلوگیری کنند.

از منظر آیت الله خامنه‌ای به عنوان یک متفکر و اندیشمند اسلامی، هدف نهایی انقلاب اسلامی رسیدن به تمدن نوین اسلامی است. یعنی احیای تمدن اسلامی بر اساس الگوهای جدید و مطابق با مقتضیات زمان و مکان.

از دو جهت این تمدن نوین نامیده شده:

۱. از جهت الگوهای جدیدی که ساخت این تمدن به همراه داشته و با الگوهای تمدن اسلامی به انحطاط کشیده شده تفاوت دارد هر چند همین الگوهای نو نیز مبتنی بر یک سری اصول ثابت و ریشه دار در سنت کهن اسلامی می باشد؛

۲. از جهت اینکه این تمدن پس از ظهور تمدن مادی‌گرای غرب و انفعال چند صد ساله جهان اسلام در برابر آن، تجربه جدیدی می باشد که قابلیت عرض اندام و

تقابل با آن تمدن را دارد و به همین دلیل تمدنی نو در برابر تمدن مغرب زمین که در حال تبدیل شدن به تمدن کهنه هست به شمار می آید.

نکته دیگر اینکه رویدادها و حوادث تاریخی از نظم منطقی و درونی برخوردار هستند؛ و باید با فهم قواعد و کلیات حاکم بر حوادث و رویدادهای تاریخی از نقش کاربردی تاریخ در دوران معاصر استفاده کرد و با بهره گیری از آن از هزینه‌ها کاست. ولی متأسفانه دانش تاریخ در فرهنگ و تمدن اسلامی از طرف اندیشمندان و محققان جایگاه واقعی خودش را پیدا نکرده است و در نقش یک دانش حاشیه‌ای ظاهر شده است، درحالیکه تاریخ مادر علوم است.

اگر به دنبال ایجاد تمدن هستیم باید دیدی کلی نسبت به جایگاه خود در سیر تاریخ داشته باشیم. چرا که حرکت برای تأسیس یک تمدن حرکتی مقطعی و گذرا نیست بلکه حرکتی مداوم و طولانی مدت است لذا چنین حرکتی بدون داشتن افقی تاریخی و نگاهی عقلی و فلسفی به مسیر حرکت تاریخ میسر نیست. از طرف دیگر ملتی که داعیه آغاز چنین حرکتی را در تاریخ دارد باید خود از هویت غنی تاریخی برخوردار بوده و به این هویت خود در تاریخ واقف باشد.

فهم پدیده‌ها و پیوسته‌انگاری رویدادها، دقیقاً همان مقوله‌ای است که تنها از زاویه نگاه فلسفه‌ی تاریخ به هستی، میسر خواهد شد و این بدان معناست که ریشه‌ی بسیاری از پدیده‌های اجتماعی را نیز باید در فلسفه‌ی تاریخ جستجو کرد.^۱

در این میان فهم و تفسیر مقوله «تمدن نوین اسلامی» نیز از این قاعده مستثنی نیست، حضرت آیت الله خامنه‌ای در این باره می‌فرمایند:

۱. متین محبوب، پیکربندی دیدگاه‌های آیت الله خامنه‌ای درباره بیداری اسلامی بر پایه انگاره‌های فلسفه تاریخ، مجموعه مقالات همایش نظریه بیداری اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره) و آیت الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)،

«شک نیست که تحولات بزرگ اجتماعی، همواره متکی به پشتوانه‌های تاریخی و تمدنی و محصول تراکم معرفت‌ها و تجربه‌ها است. در صد و پنجاه سال اخیر حضور شخصیت‌های فکری و جهادی بزرگ جریان ساز اسلامی در مصر و عراق و ایران و هند و کشورهای دیگری از آسیا و آفریقا، پیش زمینه‌های وضع کنونی دنیای اسلامند.»^۱

در این پژوهش با استناد به بیانات، سخنرانی‌ها و برخی از کتب منتسب به ایشان در دوره زمانی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۶ نحوه بهره‌گیری ایشان از تاریخ در ایجاد و مفهوم سازی تمدن نوین اسلامی استخراج و توصیف می‌شود.

بررسی و بازخوانی نظام‌مند دیدگاه‌های آیت الله خامنه‌ای در خصوص تمدن نوین اسلامی، با تکیه بر تاثیرات تاریخی، می‌تواند تصویری گویاتر از فرآیند تحقق تمدن نوین اسلامی و کاربست الگوهای تاریخی در ساختن تمدن نوین اسلامی به نمایش بگذارد.

گفتمان تاریخی رهبری

در تجربه تاریخی ایران معاصر تفکر فقها و اندیشمندان شیعی همواره پشتوانه اصلی پیشرفت و امتداد زندگی جامعه ایرانی در ابعاد سیاست و فرهنگ و اقتصاد بوده است، با تشکیل انقلاب اسلامی، عرصه عمل و نظر پیوند خورده و تئوری پردازان حکومت اسلامی، تاسیس کنندگان جمهوری اسلامی شدند.

می‌توان گفت که مزیت رقابتی متفکران انقلاب اسلامی در کامیابی و تاسیس جمهوری اسلامی دارا بودن پشتوانه‌های فکری عمیق و در عین حال بومی و هماهنگ با فرهنگ و تاریخ و تمدن جامعه ایرانی بوده که در میدان رقابت با سایر نحله‌های فکری توفیق یافت؛ و حضرت آیت الله خامنه‌ای میراث دار این نسل از متفکران اصیل شیعی است.

۱. بیانات در اجلاس بین المللی بیداری اسلامی ۱۳۹۰/۶/۲۶.

با نگاهی دقیق به بیانات رهبر انقلاب اسلامی می‌توان جایگاه والای تاریخ و آگاهی‌های تاریخی در اندیشه و نگاه آیت‌الله خامنه‌ای را برگرفته از «بینشی قرآنی» دانست.^۱ در این نگاهی که برآمده از بینش قرآنی است، ایشان «عبرت گرفتن» از تاریخ را به عنوان مسئله‌ی اصلی و درسی قرآنی می‌دانند.^۲ همچنین دو مفهوم «عبرت» و «درس» گرفتن از تاریخ نیز به روشنی از سوی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تبیین شده است.^۳ بر این اساس رهبر انقلاب شناخت درست از پدیده‌های گوناگون را به فهم تاریخ آن موقوف می‌کنند.^۴

ایشان نگاه عبرت‌گیرانه به تاریخ را ناظر به آینده می‌دانند و برای درک شرایط و وظایف امروز این نگاه را ضروری می‌دانند. از این منظر است که رهبر انقلاب تاریخ را «شرح حال ما، در صحنه‌ای دیگر» معرفی می‌کنند^۵ و با شناخت تاریخ است که می‌توان «امروز» را به‌درستی فهم کرد و راه «آینده» را هموار نمود.^۶

آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند تاریخ، نقش اصلی در طرح و تحلیل مباحث گوناگون دارد و تاریخ را به‌عنوان «درس و گنجینه‌ی اطلاعات ما از گذشته‌ی بشریت» تعریف می‌کنند^۷ و آن را دربردارنده‌ی ابعاد گوناگون زندگی بشر می‌دانند.^۸ در اندیشه‌ی

۱. بیانات در دیدار اعضای گروه تاریخ صدای جمهوری اسلامی ایران ۸/۱۱/۱۳۷۰.

۲. بیانات در دیدار جمعی از پاسداران ۵/۱۰/۱۳۷۴، بیانات در دیدار فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله ﷺ ۲۰/۳/۱۳۷۵.

۳. بیانات در دیدار جمعی از پاسداران ۵/۱۰/۱۳۷۴.

۴. بیانات در دیدار مدیران و مسئولان مطبوعات کشور ۱۳/۲/۱۳۷۵.

۵. بیانات در دیدار جمعی از پاسداران ۵/۱۰/۱۳۷۴.

۶. بیانات در دیدار مردم لار ۱۹/۲/۱۳۸۷.

۷. بیانات در دیدار اعضای گروه تاریخ صدای جمهوری اسلامی ایران ۸/۱۱/۱۳۷۰.

۸. بیانات در دیدار اعضای گروه تاریخ صدای جمهوری اسلامی ایران ۸/۱۱/۱۳۷۰.

آیت الله خامنه‌ای هر چند روش‌های زندگی بشر در طول تاریخ عوض می‌شود ولی جبهه‌بندی‌های اصلی تغییر نمی‌یابد.^۱

ایشان علاوه بر اهمیت ذاتی توجه به تاریخ و نگاه عبرت‌آموزانه به آن، آفات و خطرات مهمی که از ناحیه‌ی کم‌توجهی به تاریخ و آگاهی نداشتن از حقایق تاریخی وجود دارد را برمی‌شمارند. یکی از مهم‌ترین این خطرات «تضعیف حافظه‌ی تاریخی ملت» و در نتیجه به اشتباه افتادن در شناخت وضعیت فعلی و آینده است.^۲ دوم قطع رابطه‌ی ملت‌ها با تاریخ‌شان و «انهدام هویت تاریخی» آنها است.^۳

در نظام معنایی آیت الله خامنه‌ای توجه به تراکم تجربی و تاریخی - اعم از تاریخ خودی یا غیر خودی - جایگاهی اساسی و مهم دارد؛ ویژگی مهمی که بسیاری از اندیشمندان شیعه از آن غافلند و به همین دلیل از تراکومات تجربی تاریخی در تفکر و عمل بی‌نصیبند.

ایشان مدام شرایط کنونی را به تاریخ اسلام و هم‌چنین تمدن اسلامی میانه و تاریخ معاصر تطبیق می‌دهند. دوران حکومت اهل بیت و قیام حسینی به صورت ویژه مدنظر ایشان است؛ اما نه به صورت یک منبر و عظ عادی بلکه به صورت یک الگو، بطور مداوم مورد بازخوانی واقع می‌شود. تجربه انقلاب ملت‌ها، تاریخ استعمار، تاریخ معاصر ایران و... نمونه‌هایی از عبرت‌گیری و تطبیق تاریخی در گفتمان ایشان است.

تسلط و تخصص مقام معظم رهبری به تاریخ اسلام امری جدی است. ایشان علاوه بر کتبی نظیر زندگانی امام سجاد علیه السلام، پیشوای صادق علیه السلام، حساس‌ترین

۱. بیانات در دیدار با جوانان در مصلاّی بزرگ تهران ۱۳۷۹/۲/۱.

۲. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۹۴/۶/۱۸.

۳. بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه ۱۳۷۸/۶/۲۴.

دوران‌های تاریخ و مجموعه انسان ۲۵۰ ساله، در ابتدای انقلاب مشغول به تدریس، درس تاریخ صدر اسلام نیز بوده‌اند. رویکرد عبرت‌گرایانه ایشان به تاریخ اسلام، با دیدن نقش عناصر انسانی، بخصوص در مواردی نظیر خواص و لحظه‌های تاریخ‌ساز و عبرت‌های عاشورا توانسته تاریخ را، به امری قابل استفاده، با نگاه اجتماعی و حکومتی تبدیل کند.

سخنان ایشان سرشار از حرکت از مبانی به مصادیق و جستجوی تأویل و نمونه‌های عینی آن‌ها در عرصه واقعی است. در حقیقت جهان‌بینی اسلامی و منابع آن تأثیر جدی بر گفتمان و عمل رهبر انقلاب داشته و ایشان در همین چارچوب به نظام‌سازی پرداخته‌اند. چنانکه حجت الاسلام دکتر خسرو پناه نویسنده کتاب منظومه فکری رهبری معتقدند: روح منظومه فکری رهبری توحید است و رکن این منظومه مردم‌اند و غایت آن تمدن نوین اسلامی است که می‌خواهد برای ظهور زمینه‌سازی کند.

با بررسی منظومه فکری- تاریخی رهبری دریافت شد که اندیشه مقام معظم رهبری بعنوان یک کل منسجم و واحد در افق‌های بلند مدت خود نقاط روشنی را دنبال می‌کند. مهمترین نقطه روشن نگرش تاریخی رهبری جهان‌بینی الهی ایشان است، بنابراین رهبری توجه ویژه‌ای به قانون مندی تاریخ و سنت‌های الهی دارد که نتیجه این نگرش تاریخی باعث می‌شود اعتقاد داشته باشیم تمدن اسلامی به اوج خود خواهد رسید.

در واقع هر پیشرفتی از یک فلسفه تاریخ تغذیه می‌کند که بدون آن یک نوع صورت‌گرایی بدون محتوا خواهد بود؛ یعنی اگر کسی پیشرفت را بدون فلسفه تاریخ مربوط به آن بپذیرد، فقط یک کار تقلیدی بدون آگاهی انجام داده است مثل کشورهای غیر

غربی که پیشرفت غربی را بدون فلسفه تاریخ آن قبول کرده اند و یک تقلید صرف را مرتکب شده اند.^۱

آیت الله خامنه‌ای در بیانی این گونه به این مطلب اشاره دارند:

«بعضی از کشورها هستند که رشد اقتصادی آنها به عنوان يك الگو، در گفتار و نوشتار برخی از روشنفکران ما مطرح می شود. بله ممکن است آنها به يك صنعتی هم دست پیدا کرده باشند، پیشرفتی هم در زمینه مادی یا در زمینه علم و صنعت کرده باشند، اما اولاً مقلدند؛ ذلت تقلید و فرودستی تقلید، روی پیشانی آنها حک شده؛ علاوه بر این، همه آسیب های تمدن کنونی مادی غرب را آنها دارند، ولی اکثر منافعش را ندارند.»^۲

برای ایجاد تمدن نوین گفته شد که نیاز به فلسفه تاریخی داریم؛ و اولین سؤالی که در هر فلسفه نظری تاریخ باید به آن پاسخ داده شود این است که غایت تاریخ چیست؟ پر واضح است که پاسخ به این سؤال نقشی کلیدی در ساختن تمدن نوین اسلامی دارد؛ زیرا پاسخ به این سؤال می تواند نقش و جایگاه تمدن نوین اسلامی در حرکت به سوی غایت نهایی تاریخ را مشخص کند.

در فلسفه تاریخی آیت الله خامنه‌ای غایت تاریخ اینگونه بیان شده است: «همه‌ی مذاهب اسلامی غایت جهان را که اقامه‌ی حکومت حق و عدل به وسیله‌ی مهدی (علیه الصلوة و السلام و عجل الله فرجه) است، قبول دارند. روایات معتبر از طرق مختلف، در مذاهب گوناگون، از پیغمبر اکرم و از بزرگان نقل شده است؛ بنابراین، هیچ تردیدی در آن نیست.»^۳

۱. ابراهیم فیاض، اصول اسلامی پیشرفت، دو هفته نامه پگاه حوزه، شماره ۲۵۸.

۲. بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۰۷/۲۳.

۳. بیانات در دیدار اساتید و فارغ التحصیلان تخصصی مهدویت ۱۳۹۰/۰۴/۱۸.

دومین سؤال اساسی در هر فلسفه نظری تاریخ پاسخ به این سؤال است که مسیر تاریخ برای رسیدن به آن غایت نهایی چیست؟ پاسخ به این سؤال از این جهت مهم است که مشخص شود جایگاه تمدن نوین اسلامی در این مسیر چیست.

مسئله انتظار در اندیشه مقام معظم رهبری همان حرکت عمومی امت اسلامی برای رسیدن به غایتی است که خدا برای انسان قرار داده است ایشان حل مشکلات جهان اسلام را در گرو جاری یافتن انتظار حقیقی دانسته و در سخنی می‌گویند:

«مسئله‌ی انتظار، از آن کلیدواژه‌های اصلی فهم دین و حرکت اساسی و عمومی و اجتماعی امت اسلامی به سمت اهداف والای اسلام است؛ انتظار؛ انتظار یعنی ترقب، یعنی مترصد یک حقیقتی که قطعی است، بودن؛ این معنای انتظار است.»^۱

بنابراین تمدن نوین اسلامی به عنوان زمینه ساز برای ایجاد حکومت عدل مهدوی به عنوان غایت تاریخ می‌باشد.

سؤال سومی که در هر فلسفه نظری تاریخ باید به آن پاسخ داده شود این است که موتور محرک تاریخ چیست؟ به عبارتی چه نیرو یا نیروهایی تاریخ بشر را به پیش می‌برند؟ چه عواملی باعث ظهور و شکوفایی تمدن‌ها و یا باعث اضمحلال آنها می‌شوند؟ بدون شک پاسخ به این سؤال نقشی بسیار اساسی و کلیدی در ساختن تمدن نوین اسلامی دارد؛ زیرا تنها در پرتو پاسخ به این سؤال است که به درستی می‌توان از عوامل و نیروهایی که به شکل‌گیری یک تمدن می‌انجامند به درستی مدد جست و از عوامل مخربی که باعث اضمحلال یک تمدن می‌شوند دوری جست.

البته پاسخ به این پرسش کاملاً منطبق بر زیرساخت‌های هستی‌شناختی خواهد بود، بر همین اساس است که رهبر انقلاب حرکت تاریخ را حاصل تعامل نظام اراده‌های الهی و انسانی می‌داند: «اراده‌ی خداوند به بیداری ملت‌ها تعلق گرفته است

و قرن اسلام و عصر ملت‌ها فرا رسیده و در آینده، سرنوشت کل بشریت را تحت تأثیر قرار خواهد داد.»^۱

سنت‌های الهی همان اراده خداوند است که رهبری در سخنان خود مطرح می‌کنند: «مستبدینِ فاسدِ وابسته‌ای در یک جاهایی در رأس کار بودند. خدای متعال وعده کرده است: «سیصیب الّذین اجرموا صغار عند الله و عذاب شدید بما كانوا یمکرون». مکرشان فایده‌ای برای آن‌ها ندارد، بلکه به خاطر همین مکر، خدای متعال ذلت و خاک‌نشینی را بر این‌ها تحمیل می‌کند. این اتفاق افتاده است، این شده است، این جلوی چشم ماست. این هم یکی دیگر از آن مواردی است که ما آیات الهی قرآن را در مقابل چشم خودمان تجربه‌اش را مشاهده کردیم؛ که این مال زمان ماست، این خیلی باارزش است. آنچه را که خدای متعال در قرآن وعده داده است، ما داریم اینها را جلوی چشم خودمان، در تجربیات خودمان مشاهده می‌کنیم.»^۲

اراده‌های انسان هم در حرکت تاریخ نقش ایفا می‌کند؛ البته نه به این معنا که چیزی به انسان در عرض اراده‌ی خدای متعال، تفویض شده بلکه به همان معنایی که در مبحث جبر و اختیار در مسلک شیعی، متناسب با معارف اهل بیت علیهم‌السلام تبیین شده است؛

«خب، حالا بعد از این مدت مبارزه، کی در این میدان پیروز شده؟ این خیلی مسئله‌ی مهمی است. از سال ۳۲ تا الان که نزدیک سال ۹۲ هستیم - یعنی در طول حدود شصت سال - یک مبارزه بین ملت ایران از یک طرف و دولت مستکبر آمریکا از طرف دیگر، به راه افتاده؛ این چیز کوچکی نیست، این خیلی حادثه‌ی مهمی است. تا امروز کی پیروز این میدان است؟ این در خور تأمل است. وقتی ما فهمیدیم که در

۱. خطبه‌های نماز جمعه تهران، ترجمه خطبه عربی ۱۳۹۰/۱۱/۱۴.

۲. بیانات در جمع اعضای خبرگان ۱۳۸۹/۱۲/۱۹.

اینجا آن که پیروز شده است، اراده و تصمیم قاطع يك ملت همراه با ایمان و توکل به خداست، این درسی می شود برای همه ی ملت ها؛ این يك اصلی می شود در همه ی تحولات تاریخی؛ فلسفه ی جدید تاریخ، مبتنی بر اصول اسلامی، با نگاه کردن به این حادثه، به بار می نشیند، تدوین می شود و مورد قبول همه قرار می گیرد.^۱

قانونمندی تاریخ

مهمترین عاملی که موجب می شود به دنبال بازخوانی وقایع تاریخی جهت ایجاد تمدن نوین اسلامی باشیم قانونمندی تاریخ است. اگر تاریخ فقط و فقط وقایع جزئی باشد و نشود از تاریخ، اصول کلی استخراج کرد اصلا نمی شود درسی از تاریخ آموخت؛ اما اگر تاریخ قابل تعمیم بود و اصول کلی داشته باشد می توان از آن درس آموخت و به تعبیر قرآن تاریخ می تواند عبرت آموز و درس آموز باشد. قرآن کریم، تاریخی را به رسمیت می شناسد که در آن عبرت و آموزشی قرار داشته باشد.^۲ در قرآن به گونه های مختلف به سنت مندی تاریخ اشاره شده است یکی از آیاتی که سریان سنت های تاریخ را در میان امت های گذشته بیان می کند آیه ۱۳۷ سوره مبارکه آل عمران است: «پیش از شما سنت هایی بوده است. پس در روی زمین بگردید و بنگرید که سرانجام تکذیب کنندگان دین و پیامبر خدا چگونه بوده است.»

این آیه، هم بر جریان سنت ها و قوانین تاریخ تأکید دارد و هم بر پیگیری و پژوهش حوادث و رویدادهای تاریخی به منظور کشف و استخراج آن سنت ها و قوانین و عبرت گرفتن از آن حوادث و رویدادها پافشاری می کند.^۳

۱. بیانات در دیدار دانش آموزان و دانشجویان ۱۰/۸/۱۳۹۱.

۲. محمد جواد اردلان، مفهوم تاریخ و فایده مندی آن از منظر شهید مطهری، فصلنامه ۱۵ خرداد، سال سوم بهار ۸۵، شماره ۷.

۳. سید محمد باقر صدر، سنت های اجتماعی و فلسفه تاریخ در مکتب قرآن، ترجمه و نگارش حسین منوچهری، ناشر: مرکز نشر فرهنگی رجاء، تهران ۱۳۶۹، صفحه ۹۵.

گسترده‌گی دامنه تاریخ و احاطه نداشتن بر آن، ناممکن بودن آزمایش نظریه‌های تاریخی، آن گونه که در علوم تجربی مقدور است و خطاپذیری ویژه گزاره‌های تاریخ، فرایند اثبات قانونمندی و استخراج سنت‌های حاکم بر تاریخ را از طریق مطالعات تاریخی و اجتماعی بسیار دشوار ساخته است؛ به گونه‌ای که بسیاری از نظریه‌های مدعیان کشف قوانین تاریخ، پس از مدتی باطل می‌شوند. در چنین شرایطی، استمداد از آموزه‌های خطاناپذیر وحی می‌تواند راه گشای مسیری باشد که علم توانایی ایجاد آن را ندارد.

شهید صدر در همین زمینه یک شبهه مبنایی مطرح می‌کند و آن اینکه قرآن کتاب هدایت و ارشاد است، نه یک کتاب علمی و آکادمیک که ما از آن توقع کشف قوانین علمی داشته باشیم. بنابراین، توقع کشف قوانین علمی از قرآن نابجاست. ایشان در رفع این شبهه می‌فرمایند:

«بین صحنه تاریخ با دیگر صحنه‌های طبیعت و وجود، یک تفاوت اساسی و جوهری وجود دارد؛ صحنه تاریخ، صحنه تحول و دگرگونی جوامع است و رسالت قرآن به منزله کتاب هدایت و ارشاد دگرگون‌سازی بشر است. بنابراین، می‌توان قوانین حاکم بر تحولات و دگرگون شدن جوامع را از درون کتابی که رسالتش دگرگون‌سازی جوامع بشری است استخراج کرد. دگرگون‌سازی موضوعی است که قرآن آن را با تعبیر بیرون آوردن مردم از دل تاریکی‌ها به جهان نور و روشنائی بازگو می‌کند».^۱

به همین دلیل تحلیل‌های رهبری از مسائل جامعه و تاریخ، مبتنی بر آیات قرآنی است و از همین منظر ایشان سنت‌های الهی را به عنوان قوانین تاریخی امری مسلم می‌دانند و در این زمینه می‌فرمایند:

۱. سید محمد باقر صدر، سنت‌های اجتماعی و فلسفه تاریخ در مکتب قرآن، صفحه ۷۳-۷۶.

«مسئله حضور قرآن در صحنه زندگی مسلمانان مسئله‌ای است که همیشه فکر مصلحان اسلامی را به خود مشغول داشته است. اگر اعتقاد به قرآن وجود دارد و این را می‌دانیم که از طرف خداست و همه گفته‌هایش درست است پس باید به همه مضامین آن عمل کنیم. قرآنی که به بخشی از آن در حوزه فردی عمل شود نمی‌تواند پاسخ‌گوی سعادت جمع باشد. قرآن را باید به این معنا وارد زندگی فردی و اجتماعی نمود و از دستورالعمل‌هایش به عنوان تنها سند سعادت دنیوی و اخروی بهره جست. تکیه کردن به وعده نصرت الهی که در قرآن آمده است همان چیزی است که باید در متن زندگی به آن تمسک نمود. مسئله‌ی انقلاب اسلامی، مسئله‌ی اعتماد به وعده‌های الهی بود. تجربه اعتماد به وعده‌ی نصرت الهی در انقلاب نشان داد که سنت‌های الهی در قرآن حقیقتی است که در فضای عینی زندگی قابل لمس کردن است».^۱

جامعه‌شناسان معتقدند که جوامع بشری از قوانین اجتماعی پیروی می‌کنند. قوانینی که عمومیت و کلیت دارند. اسلام هم به قوانین اجتماعی معتقد است. واژه خاصی که در متون اسلامی برای قانونمندی جامعه و تاریخ به کار می‌رود «سنت» است. سنت الهی از نظر رهبری یعنی:

«سنت خدا یعنی قوانین الهی؛ قوانینی وجود دارد در عالم وجود، در سرتاسر این کون عظیم. این قوانین مثل قوانین طبیعی، مثل قانون جاذبه، مثل قانون ستارگان و خورشید و ماه و آمد و رفت ماه و خورشید در شبانه‌روز، اینها قانون است؛ قانون طبیعی است. همین جور قوانینی در جوامع انسانی وجود دارد، این قوانین را اهل ماده با چشم‌های کم‌سو نمی‌توانند درک بکنند اما وجود دارد».^۲

۱. بیانات در دیدار مردم قم ۱۳۹۴/۱۰/۱۹.

۲. همان.

با این تعریف می‌توان گفت سنت‌های الهی آن بخش از تدابیر و سازماندهی‌های خداوند را در بر می‌گیرد که استمرار داشته و رویه غیر قابل تبدیل و تحویل را دارا بوده است.

از نگاه رهبری سنت‌های الهی خصوصیتی دارند؛ از جمله اینکه عمومیت دارند و در همه جوامع و ملت‌ها و در همه زمان‌ها جاری هستند.^۱

آیت الله خامنه‌ای این مسئله را یاد آوری می‌کنند که سنت الهی با آزادی و اراده انسان‌ها منافات ندارد، چرا که در پدیده‌ها و حوادث انسانی و اختیاری، همواره یکی از اجزای علت تامه، اراده خود انسان‌هاست.

«من و شما کاره‌ای نیستیم؛ دست قدرت الهی است. ما وسائلی هستیم که اگر عقل به کار گیریم و اختیار خودمان را به کار بیندازیم و وارد میدان شویم، از ما برای حصول این هدف استفاده خواهد شد و افتخار و شرفش برای ما می‌ماند؛ اما اگر ما هم نباشیم: «فسوف یأتی اللّٰه بقوم یحبّهم و یحبّونه». اینگونه نیست، بار خدا بر زمین نمی‌ماند، پیش خواهد رفت؛ این یک حرکت طبیعی است، ناموس طبیعت و تاریخ است.»^۲

با توجه به بیانات رهبری می‌توان نتیجه گرفت که تاریخ دارای ضوابط و قوانین مشخصی است، اما این به معنای سلب اختیار از انسان و قرار گرفتن او در یک محیط جبری نیست.

۱. همان.

۲. بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۴/۶/۱۶.

تاریخ تکرار می شود یانه؟ دیگر پرسش مهمی نیست بلکه همانطور که قرآن تاکید می نماید سنت های الهی تغییر ناپذیری وجود دارد که بر همه حوادث رویدادها و اتفاقات جهان حاکم است.^۱

سنت های الهی

موضوع سنت های الهی حاکم بر تاریخ، موضوعی قرآنی است که مورد توجه ویژه رهبری قرار گرفته است، بحث از سنت وراثت، سنت شکست باطل و سنت نصرت الهی بخشی از آن سنت های الهی می باشد که رهبری در باب ایجاد تمدن نوین اسلامی به آنها تاکید کرده اند. از دیدگاه ایشان، توجه به سنت های الهی، شرط بنیادین احیای تمدن اسلامی است. چراکه خطوط آینده مؤمنان توسط همین سنت هاب الهی ترسیم شده است.

در این مرحله به نمونه های استفاده رهبری از این سنت الهی اشاره می شود.

سنت وراثت

از قوانین و سنت های الهی حاکم بر جوامع بشری، خلافت، امامت و وراثت نهایی مستضعفان صالح و اهل ایمان است. از آیات متعددی از قرآن کریم چنین برمی آید که براساس یک قانون و سنت الهی، بندگان مؤمن و صالح خداوند که جز در مقاطع محدودی از تاریخ کره خاک، همواره به استضعاف کشانده شده و خوار شمرده می شدند؛ در نهایت زمین را به ارث می برند و پیشوایان و حاکمان زمین می گردند، آیت الله خامنه ای در مورد این سنت می فرمایند:

«امروز دنیای اسلام افق روشنی در مقابل خود مشاهده می کند. دشمنان بزرگ و مستکبران گردن کلفت عالم که همه ی دنیا در اختیار آنها هست، امروز در مقابل

۱. سوره احزاب آیه ۶۲، سوره فتح آیه ۳۳ و سوره فاطر آیه ۴.

خیزش امتهای مسلمان و بیداری ملت‌های مسلمان احساس ناتوانی می‌کنند؛ راه بر روی آنها بسته است و این نشان‌دهنده‌ی وعده‌ی الهی است که فرمود: «و لينصرنَّ الله من ينصره انَّ الله لقوى عزيز و فرمود: و نريد ان نمنَّ على الذين استضعفوا فى الأرض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثين، اينها وعده‌ی الهی است؛ و فرمود: و الله غالب على امره اين وعده‌های الهی به برکت بیداری و حرکت مسلمان‌ها بتدریج خود را نشان می‌دهد.»^۱

سنت شکست باطل

یکی دیگر از سنت‌های الهی که در قرآن بارها تکرار شده، سنت پیروزی جبهه حق و لشکریان الهی بر جبهه باطل است. بر پایه این سنت الهی، پایان تاریخ، برخلاف گفته‌های غربیان، با پیروزی صالحان، عدالت خواهان، حق‌پویان و جهانی شدن اسلام به عنوان فرهنگ، دین، گفتمان و حقیقت غالب همراه خواهد بود. این سنت و قانون حتمی و قضای غیر قابل تخلف الهی است و هیچ چیزی نمی‌تواند آن را دگرگون سازد.

«جاء الحق و زهق الباطل انَّ الباطل كان زهوقا، باطل یعنی آن چیزی که برخلاف سنت الهی در آفرینش است؛ این از بین‌رفتنی است، این زائل شدنی است، این ماندنی نیست؛ و نشانه‌های این زوال را هم امروز انسان مشاهده می‌کند. انسان به وضع بین‌المللی که نگاه می‌کند، نشانه‌های این زوال را می‌بیند.»^۲

«چه کسی گفته که باطل هیچ‌وقت در دنیا قادر نخواهد بود که به حق ضربه بزند، یا موقتاً آن را از بین ببرد؟ کدام قانونی این چنین می‌تواند باشد؟ آن چیزی که در قانون الهی است، این است که در نهایت، حق پیروز خواهد شد؛ در نهایت، باطل سرنگون خواهد شد (سوره مبارکه الإسراء آیه ۸۱)؛ اما چه کسی گفته است که در اثنای راه، باطل فرصت پیدا نخواهد کرد که حق را مورد ضربات خود قرار دهد و حتی آن را از میدان خارج

۱. بیانات در دیدار مسئولان نظام به مناسبت عید فطر، ۱۳۸۷/۷/۱۰.

۲. بیانات در دیدار مسئولان نظام در روز عید مبعث - ۱۳۸۹/۴/۱۹.

کند؟ البته یک قانون دیگر هست: اگر به خاطر حق، مبارزه انجام بگیرد، هیچ باطلی قادر نخواهد بود جلو بیاید. اگر مبارزه و مجاهدت بشود، خدای متعال کمک و هدایت می‌کند (سوره مبارکه العنکبوت آیه ۶۹)؛ اما اگر مجاهدت نشود، اگر بی‌کار بنشینیم، اگر هوشیاری بخرج ندهیم، اگر در سنگر بخوابیم، آیا باز هم دشمن نمی‌آید سنگر ما را فتح کند؟ چه کسی چنین چیزی را گفته است؟ ما باید تلاش کنیم تا دشمن ناکام بشود. اگر ما تلاش نکردیم، دشمن کامیاب خواهد شد؛ و نستجیر باللّه من ذلک.^۱

سنت نصرت الهی

سنت دیگر نصرت الهی است که در قرآن برای فرد و اجتماع مؤمنان بیان شده است. مقام معظم رهبری مفهوم نصرت الهی را اینگونه بیان می‌دارند:

«خدای متعال به شما وعده داده است که اگر دین او را و راه او را و هدفهای الهی را یاری کنید، شما را یاری خواهد کرد. یاری خدا به معنی یاری تمام نیروهای موجود در این طبیعت است؛ همه به کمک شما خواهند آمد؛ نیروهای ماوراء طبیعی هم به کمک شما خواهند آمد؛ یاری خواهید شد، پیش خواهید رفت؛ همچنان که امروز پیش رفتید.»^۲

در جایی دیگر می‌فرمایند: «ان شاء الله خدای متعال هم کمک خواهد کرد؛ من کان لله کان الله له^۳ هر کس برای خدا کار کند، خدا هم تمام امکانات و علم و قدرت خودش و سنت‌های آفرینش را در خدمت او قرار خواهد داد. ولینصرن الله من ینصره^۴ این جمله‌ی عجیبی است - «ل» قسم و «ن» تأکید - حتماً خدا کسانی را که او را نصرت کنند، بدون شک نصرت خواهد کرد.»^۵

۱. بیانات در دیدار جمعی از روحانیون استان بوشهر ۱۳۷۰/۱۱/۱۰.

۲. بیانات در مراسم فارغ‌التحصیلی دانش‌آموختگان ارتش، ۱۳۸۹/۸/۱۹.

۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۹، ص ۱۹۷.

۴. سوره حج آیه ۴۰.

۵. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش آسیب‌شناسی انقلاب، ۱۳۷۷/۱۲/۱۵.

باید توجه داشت که تحقق سنت‌های الهی شروطی دارد، در واقع اعتماد به وعده‌های خداوند فقط بحثی تئوری و در حوزه ذهن نیست، نمایش این توکل و اعتماد به خدا در صحنه عمل و عینیت جامعه باید تحقق پیدا کند. این اعتقاد به خدا و کمک او وقتی کارساز است که هم اقدام و حرکت باشد و هم عمل خالص برای خدا وجود داشته باشد. ملتی که در جهت هدف‌های الهی حرکت می‌کند، با ملتی که هدف تمام تلاش‌هایش مادی و دنیایی است، فرسنگ‌ها فرق دارد. آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی)، بر مبنای عقیده و هم بر اساس تجربه، تفسیر آیات مطرح شده را می‌داند و به بهترین شکل شرایط تحقق این آیات قرآن را ارائه می‌دهد. باور داشتن به سنت‌های الهی، تلاش در راه خدا، نهراسیدن از دشمن، هوشیاری برابر توطئه‌های دشمن، مقاومت در برابر فشارهای دشمن، مدیریت صحیح، صبر و استقامت و عمل کردن به سنت‌های دیگر از جمله این شروط است.^۱

ایشان در باب شروط تحقق سنت‌های الهی می‌فرمایند:

«خدای متعال گفته است: اگر برای من، برای پیشبرد دین من، برای احیای ارزش‌های مورد قبول من حرکت کنید، اقدام کنید، من به شما کمک می‌کنم. این راست است، این وعده‌ی الهی است. فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ عَنِ الَّذِينَ ءَامَنُوا»^۲؛ هر کسی که مؤمن به خداست، خدا از او دفاع می‌کند. خب، خیلی از مؤمنین در دنیا هستند، خدا از آنها دفاع نکرده - مؤمنینی که زیر لگد مستکبرین دارند له میشوند - چرا؟ این به خاطر این است که به سنت‌های دیگر الهی عمل نشده است؛ به خاطر این است که حرکت نشده، قیام نشده، اقدام نشده؛ بنابراین مجاهدت لازم

۱. بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی - ۱۳۹۲/۲/۹، بیانات در دیدار مردم قم - ۱۳۹۱/۱۰/۱۹، بیانات در دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران استان خراسان شمالی - ۱۳۹۱/۷/۲۲، بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن کریم - ۱۳۹۱/۴/۴.

۲. سوره مبارکه الحج آیه ۳۸.

است، تلاش لازم است. یک ملتی اگر مؤمن به خدا بود، اما تلاش نکرد، مجاهدت نکرد، البته لگدمال می‌شود؛ آن «یدافع عن الذین ءامنوا» دیگر اینجا را نمی‌گیرد. این ایمان باید با مجاهدت همراه باشد، آن وقت خدای متعال آن وعده را عملی خواهد کرد. معنای «و الذین هاجروا و جاهدوا فی سبیل الله»^۱ این است که باید حرکت کرد، باید اقدام کرد، باید تصمیم گرفت.^۲

تطبیق رخدادهای گذشته با دوره معاصر

تطبیق رخدادها و پدیده‌های جوامع گذشته با رخدادها و پدیده‌های جوامع معاصر که از نتایج قانونمندی تاریخ است. عاملی مهم در بهره برداری از تاریخ جهت ایجاد تمدن نوین اسلامی است.

در این رابطه عبد الحسین زرین کوب می‌نویسد: در تاریخ مثل تمام رشته‌هایی که موضوع آنها با تکامل تدریجی سروکار دارد، یک راه عمده نیل به «حقیقت» مطالعه تطبیقی است، یعنی مقایسه احوال پدیده‌ها از جهت نسبت و ارتباطی که با زمان و مکان دارند.^۳

مطالعه تطبیقی تاریخی یعنی از طریق مقایسه وقایع تاریخی پی به یکسانی امور و وقایع تاریخی ببریم. یکی از هدف‌های بزرگ تاریخ شناسان دریافت و شناخت این نظم تاریخی و یا تکرار تاریخی است.^۴

مقایسه، زمانی صورت می‌پذیرد که دو پدیده دارای جهاتی از تشابه و اختلاف باشند. بین دو پدیده فاقد تشابه یا اختلاف، مقایسه نیز بی معناست.

۱. سوره مبارکه البقرة آیه ۲۱۸.

۲. بیانات در دیدار سفرا و رؤسای نمایندگی‌های سیاسی ایران در خارج از کشور - ۱۳۹۰/۱۰/۷.

۳. عبد الحسین زرین کوب، تاریخ در ترازو، صفحه ۱۳۵.

۴. بهروز نبوی، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم اجتماعی، انتشارات کتابخانه فروردین، تهران، ۱۳۸۴، صفحه ۳۵.

روش‌های مقایسه‌ای مبتنی بر مقایسه دو یا چند گروه، دو یا چند جامعه و حتی دو یا چند فرد است که موضوع مقایسه‌اند. علاوه بر این، مقایسه می‌تواند بین ویژگی‌های خاص گروه یا جامعه یا فرد، در زمان‌های مختلف، صورت گیرد. این مفهوم در زبان فارسی، روش تطبیقی نیز خوانده شده است. لیکن چون تطبیق یکسانی پدیده‌ای را با اصل آن می‌رساند، مفهوم روش‌های مقایسه‌ای در مقابل معادل لاتین آن مرجح دانسته شده است.^۱

اهمیت ویژه این نوع مقایسه تاریخی در این است که در دانش‌های اجتماعی-انسانی امکان ایجاد اکثر دگرگونی‌های لازم در پدیده‌های مورد مشاهده، به منظور شناخت بهتر آنها همانند آنچه در دانش‌های طبیعی صورت می‌گیرد، وجود ندارد. برای مثال در علوم سیاسی دانشمندی که درباره تأثیرات وجود نظام پارلمانی برکل جامعه می‌پردازد، نمی‌تواند دستوری صادر کند که براساس آن جامعه برای مدتی فاقد نظام پارلمانی باشد تا وی اثرات فقدان آن را مشاهده کند، از این رو ناچار است جامعه‌ای دیگر را که در آن نظام پارلمانی نیست، با نظام جامعه خود مقایسه کند تا تفاوت‌ها و مشابهات آنها را یادداشت نماید.^۲

ضروری‌ترین مرحله هر تحلیل تطبیقی، مشخص کردن تفاوت‌ها و شباهت‌های موضوع مورد تحلیل و مطالعه است.

به عنوان مثال رهبری در تحلیل تطبیقی انقلاب شوروی سابق با انقلاب ایران به تفاوت‌ها اشاره می‌کنند و می‌فرمایند: «من وقتی با دید مقایسه به انقلاب سوسیالیستی شوروی سابق و انقلاب اسلامی خودمان نگاه می‌کنم، می‌بینم آن انقلاب چقدر خشن بوده است! اگر کسی تاریخ وقایع آن انقلاب را خوانده باشد، به خشونتش پی

۱. باقر ساروخانی، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، صفحه ۱۷۷، جلد ۲، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۲. مریم حیدری، کاربرد مطالعات تطبیقی در تاریخ، فصلنامه فرهنگ پژوهش، شماره ۱۳، بهار ۹۲.

می‌برد. متأسفانه، اغلب جوانان ما، اصلاً از انقلابهای دیگر خبر ندارند. من گاهی از این بابت، واقعاً غصه می‌خورم. اصلاً نمی‌دانند انقلاب سوسیالیستی شوروی سابق که بزرگترین انقلاب زمان معاصر تا قبل از انقلاب اسلامی بود و این همه هیاهو در دنیا داشت، در مقایسه با انقلاب ما، از چه ظواهر ناخوشایندی برخوردار بود. انسان وقتی با دید مقایسه به این انقلاب در قبال آن انقلاب نگاه می‌کند، می‌بیند واقعاً فرقتان از زمین تا آسمان است.^۱

آیت الله خامنه‌ای با اشاره به اینکه عوامل تاثیر گذار در زندگی جوامع مختلف امور یکسانی است مقایسه جوامع مختلف را امری صحیح می‌دانند: «یکی از چیزهایی که انسان از رسانه توقع دارد این است که از حوادث گذشته برای توضیح تهدیدهای آینده و حوادث در شرف تکوین استفاده کند و مردم را نسبت به آنها حساس نماید. قضایای جوامع انسانی و جهانی حقیقتاً مشابه‌اند؛ چون با همه‌ی تغییری که در وضع زندگی انسان‌ها به وجود می‌آید، عوامل تأثیرگذار حقیقی در زندگی انسان‌ها همیشه چیزهای معینی است. «سنت‌الله» که در قرآن می‌بینید، همین است. «و لن تجد لسنة الله تبديلا و لن تجد لسنة الله تحويلا» همین هاست؛ یعنی سنتهایی وجود دارد و تبدیلهای و تحولهایی به وجود می‌آید. مثلاً امروز قضایای مشروطه برای ما کاملاً قابل درس‌گیری و درس‌آموزی است. چون بنده در برهه‌ای از سال‌های زندگی‌ام با مسائل و قضایای مشروطه خیلی انس داشته‌ام و کتاب‌ها و گزارش‌های متعدّد را نگاه می‌کردم، امروز که نگاه می‌کنم، می‌بینم این قضایا و حوادث خیلی به هم نزدیک است. همچنین عوامل در انقلاب‌های گوناگون دنیا؛ مثلاً انقلاب کبیر فرانسه یا انقلابهای دیگر، مشابه است. عوامل مشابه است و نتایج مشابهی را هم می‌دهد. مثلاً در انقلاب کبیر فرانسه عامل مخرب وجود داشته که ما جلو این عامل مخرب را در این جا گرفتیم و نگذاشتیم، می‌بینیم آن نتایج مترتب نشد، یا عاملی وجود داشته که

۱. بیانات در دیدار هنرمندان و مسئولان فرهنگی کشور، ۷۳/۴/۲۲.

آن‌جا تخریب ایجاد کرده، ما این‌جا جلو آن را نگرفتیم، می‌بینیم عیناً همان تأثیر و همان زیان را در این‌جا هم به‌طور مشابه داشته است.^۱

پیشینه شناسی

یکی از مسایل مهم تاریخی که در ایجاد تمدن نوین اثر بسزایی دارد تمدن پیشین اسلامی است. پیشینه شناسی در مسائل اجتماعی، امری مقبول و مرسوم و گاه دارای اهمیت است. موضوع «تمدن نوین اسلامی» از جمله موضوعاتی است که نگاه به زمینه‌ها و پیشینه‌های تاریخی آن ضروری و راه‌گشاست.

مورخان در تعقیب این هدفند که با شناخت و تحلیل نظام مند تمدن گذشته و تبیین علی تحولات تاریخی، پاسخی برای مشکلات و مسائل مبتلا به تمدن نوین بیابند و در این جهت حال و گذشته را به همدیگر پیوند بزنند.

به نظر می‌رسد بر همین اساس، از نخستین طرح بحث‌های آیت الله خامنه‌ای در موضوع تمدن، نگاه به پیشینه تاریخی در این زمینه است. ایشان سه تجربه تمدنی شامل تجربه تمدنی عصر نبوی، تجربه تمدنی غرب (در موضع نقد و تمایزشناسی) و تجربه جمهوری اسلامی ایران را مورد توجه قرار داده‌اند. تحلیل رابطه تمدن پیشین و تمدن نوین ایشان حائز این ویژگی‌هاست:

الف: ایشان جریان تمدنی اسلام را از عصر نبوی آغاز و آن را به تجربه تمدنی جمهوری اسلامی ایران متصل کرده‌اند.^۲

ایشان معتقدند امام راحل (ره) برای حیات دوباره اسلام درست همان راهی را پیمود که رسول اعظم صلی الله علیه و آله پیمودند و فلسفه انقلاب نیز همان حرکت نبوت‌ها در طول تاریخ برای حمایت از مستضعفان و کوبیدن گردن کشان و سلطه‌گران و طاغوت‌ها به

۱. بیانات در دیدار مسئولان سازمان صدا و سیما ۱۳۸۱/۱۱/۱.

۲. خامنه‌ای ۱۳۶۸/۱۲/۳ و ۱۳۹۰/۰۹/۰۴.

سنگ است. ایشان وجوه شباهت فراوانی را میان انقلاب اسلامی ایران و صدر اسلام در زمینه‌های دوران تبلیغ، کادرسازی، مبارزه، جنگ‌ها، شهدا و جانبازان، مخالفین و ترندهای آنها و... یادآور می‌شود که حاکی از الگوپذیری انقلاب ما از صدر اسلام و انقلاب پیامبر ﷺ است.^۱

ب: در تجربه تمدنی صدر اسلام، به نقش نبی مکرم اسلام در تأسیس تمدن اسلامی، درخشش تمدنی اسلام در قرن سوم و چهارم هجری و نیز به نقش جانشینان پیامبر با تأکید ویژه بر نقل و فعل امامان معصوم اشاره می‌نمایند.^۲

با این توصیف بررسی دقیق و تحلیل گرایانه این دوره از تاریخ اسلام در حوزه مطالعات تمدنی بسیار تعیین کننده خواهد بود، « زیرا پیام پیغمبر اکرم و پیام بعثت در طول سه چهار قرن توانست آن عظمت را به وجود بیاورد که همه دنیا و همه تمدن های امروز مدیون آن تمدن قرن سوم و چهارم هجری مسلمانان است. این يك تجربه است.»^۳

به بیان دیگر، باید گفت دیگر تمدن‌های امروزی بشر نیز از تمدن اسلامی در سده‌های سوم و چهارم هجری اثر پذیرفته و به نوعی مدیون تمدن اسلامی هستند.

ج: در کنار بازخوانی تجربه تمدنی صدر اسلام، نگاه نقادانه‌ای نیز به تجربه تمدنی غرب داشته اند که البته این نقد، نه يك اظهار نظر سیاسی، بلکه نقد عالمانه و

۱. محمد جواد داعیان، نظریه بیداری اسلامی و پایان مکاتب اومانیستی، مجموعه مقالات همایش نظریه بیداری اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره) و آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی)، - <http://farsi.khamenei.ir/others.article?id=25076>

۲. خامنه‌ای ۱۳۷۳/۰۶/۲۹ و ۱۳۹۰/۰۴/۰۹.

۳. خامنه‌ای ۱۳۹۰/۰۴/۰۹.

منصفانه است که هم به مشکلات تمدن غرب اشاره دارند و هم به ویژگی‌های قابل بهره‌برداری به عنوان يك تجربه بشری توجه کرده‌اند.^۱

د: ایشان تجربه جمهوری اسلامی را در امتداد تمدن اسلامی تحلیل کرده، از همین منظر الزامات حرکت تمدنی آن را مطرح ساخته‌اند.^۲

حرکت تمدن ساز نبوی

از منظر مقام معظم رهبری حرکت تمدن ساز نبوی، سرمایه بسیار مهمی جهت تجدید بنای تمدن نوین است. «شکی نیست که تحولات بزرگ اجتماعی، همواره متکی به پشتوانه‌های تاریخی و تمدنی و محصول تراکم معرفت‌ها و تجربه‌ها است».^۳

پیامبر اسلام ﷺ در میان پیامبران ادیان ابراهیمی، تنها پیامبری است که توانست در حیات خویش، بنیانگذار دولتی گسترده و پایه‌گذار تمدنی شگرف باشد. بر بنیاد روایات تاریخی، ابراهیم علیه السلام گروهی اندک را با خویشان همراه ساخت و موسی علیه السلام قوم بنی اسرائیل را از فرعونیان نجات داد و با ایشان از منطقه‌ای به منطقه‌ای رو آورد و عیسی علیه السلام در میان یهودیان، مظلوم زیست و در کنار تنها دوازده حواری، شام و اسپین را به سر برد و قرن‌ها پس از وی پیروانش آواره بودند و در شکنجه و سختی زیستند تا در عهد کنستانتین مسیحیت در روم، دین رسمی شد؛ اما پیامبر اسلام ﷺ توانست در دوره بیست و سه ساله، امت و حکومتی را پدید آورد و زمینه‌سازی گسترش آن را در قالب تمدن اسلامی شکل دهد.

«این حرکاتی که امروز در برخی کشورهای شمال آفریقا و منطقه‌ی خاورمیانه مشاهده می‌شود، همان استفاده و استصنائی از نور اسلام و استفاده‌ی از جهت‌گیری

۱. بیانات در آغاز هشتمین اجلاس سران کشورهای اسلامی - ۱۸/۰۹/۱۳۷۶.

۲. احمد شفیعی، انقلاب اسلامی از منظر مقام معظم رهبری، فصلنامه حصون - بهار ۱۳۸۵، شماره ۷.

۳. بیانات در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی - ۱۳۹۰/۶/۲۶.

دست مبارک پیغمبر اکرم است. لذاست که آینده‌ی این منطقه، آینده‌ی این کشورها، به توفیق الهی، به حول و قوه‌ی الهی، آینده‌ی روشنی است»^۱.

نکته اساسی در مورد تمدن نبوی این است که این تمدن نه در یک پروسه، بلکه در یک جهش شکل گرفته است و خود را نمایاند. این سخن، خود از شگفتی هاست که یک تمدن در فرایند زمانی و با اقتباس‌های تمدنی شکل نیابد بلکه با یک دگرگونی ژرف و بزرگ، خود را بنمایاند. آیه الله خامنه‌ای در توضیح این امر برای الهام‌پذیری از آن، جوشش ده ساله پیامبر را در دل سرزمینی که از اولیات تمدن بشری محروم بوده را علت شکوه و اقتدار جامعه مسلمین در قرن چهارم هجری، می‌داند.

«ملتی که در دورانی از اولیات تمدن بشری محروم بوده، بنایی را پی‌ریزی کرده که بزرگترین تمدن‌های بشری را به‌وجود آورده و آن، نهضت اسلامی است. ... مگر یک تمدن عظیم، همین‌طوری از یک کویر می‌جوشد؟! مگر چنین چیزی ممکن است؟! اما در مورد اسلام، چنین شد. ... ملت عربستان نه تنها نظرات علمی برجسته‌تری نداشت، بلکه اصلاً نظر علمی نداشت. اصلاً علم و سواد نداشت. آن‌گاه، چنین جمعیتی، در طول ده سال حیات مبارک پیغمبر، بعد از هجرت و در دوران حکومت، پایه‌های مدنیته را چید که آن مدنیته چند صد سال دنیا را اداره کرد و تمام مدنیته‌های دنیا را تحت تأثیر قرار داد. در آن قرون - قرون سوم و چهارم و پنجم و ششم میلادی - تمدن غربی تمدن برتر بود؛ تمدن شرقی منقرض شده بود و تمدن ایرانی هم در واقع چیزی نبود. ولی می‌بینیم که تمدن اسلامی، آن تمدن برتر غربی را از بین برد. بدین معنا که تمدن غربی در مقابل این تمدن منقرض شد؛ مثل ستاره که با آمدن خورشید دیگر نور ندارد، وقتی که تمدن اسلامی آمد، چنین شد.»^۲

۱. بیانات در دیدار مسئولان نظام در روز عید مبعث - ۱۳۹۰/۴/۹.

۲. بیانات در دیدار فرماندهان سپاه - ۲۹/۰۶/۱۳۷۳.

آنچه در مسیر بازسازی فرهنگ و تمدن اسلامی در عصر حاضر بسیار حائز اهمیت است، توجه به علل رشد و انحطاط آن در گذشته است؛ زیرا تاریخ، نوعی پل ارتباط میان نسل های متوالی بشر برای دست یابی به تجربه ها، انگیزه ها، علل و عوامل انحطاط یا پیشرفت تمدن ها است. کسب تجربه از گذشته برای استفاده در زندگی کنونی، یکی از کارکردهای مهم تاریخ است. هر کسی در زندگی خود احتیاج به تجربه دارد اما عمر يك شخص برای کسب همه تجربه ها کافی نیست. تنها از راه تاریخ می توان از تجربه های گذشتگان بهره گرفت؛ تاریخ در بردارنده تجربه های افراد و جامعه هایی است که در گذشته زندگی کرده و تجربه های تلخ و شیرینی کسب نموده اند. اکنون می توان از آنها سود جست. چنین کسی، مانند آن است که به در ازای تاریخ عمر کرده است.

ان دانش تاریخ است که تجارب تلخ و شیرین پیشینیان را در دسترس ما قرار می دهد و ما را از تجربه نمودن دوباره آنها که با هزینه های فراوان همراه است، بی نیاز می کند.

«ما امروز در این دوران از انقلاب کبیر و عظیم و عمیق خود قرار داریم. البته امتیاز ما به صدر اول در دو نکته، مهم است. نخست: وجود تجربه ی آن دوران در برابر ما که برای ما صفحه درس آموزنده و هشداردهنده یی است که ای بسا خواهد توانست از آن خطرات مانع شود؛ و نکته دوم: کثرت و تراکم دل های مؤمن و آگاه با ایمان های جوشان و دل های پاک و در همه جای این کشور بزرگ است.»^۱

استفاده از الگوهای تاریخی در ایجاد تمدن نوین اسلامی

اگر بخواهیم تمدن نوین اسلامی داشته باشیم، به یک الگو و نقشه راه نیاز داریم.

۱. پیام به نشست سالانه ی اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان (دفتر تحکیم وحدت)، ۱۳۷۹/۰۲/۰۶.

حضرت آیت الله خامنه‌ای، الگورا اینگونه تعریف می‌فرمایند: «الگو، چارچوب نظری و ذهنی است که پایه و معیار حرکت قرار می‌گیرد. الگو، نقش راه است.»^۱

و در بیانی دیگر می‌فرمایند: «الگو وسیله، معیار و میزانی است برای اینکه آن کاری که انسان می‌خواهد انجام دهد، با آن الگو تطبیق داده شود.»^۲

طبق این بیان رهبری تمدن گذشته در عصر درخشان آن می‌تواند یک الگوی مناسب برای محک زدن تمدن نوین اسلامی، می‌باشد.

منظور از دوره درخشان، عصری است که با بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شروع می‌شود و با هجرت آن حضرت و تشکیل اولین جامعه اسلامی در مدینه مسیر خود را آغاز می‌کند و پس از آن با انتقال موارث فرهنگی و تمدنی فرهنگهای آن روز مثل فرهنگ و تمدن ایرانی، رومی، یونانی، مصر و چینی و پردازش آنها و دمیدن روح اسلامی در این عناصر دست به بازآفرینی آنها بر اساس رویکرد و جهان بینی اسلامی می‌زند. این مجموعه درخشان که در قرون چهارم، پنجم هجری به اوج خود رسید توانست جلوه‌ای از جلوه‌های مذهبی و فرهنگی و همراهی علم و دین و دنیا و آخرت و عقلانیت و معنویت باشد.^۳

مقام معظم رهبری نیز دوره درخشان اسلامی را از تشکیل مدینه النبی تا قرن پنجم هجری قمری می‌دانند و می‌فرمایند: «نخستین فرآورده‌ی سیاسی - انسانی اسلام، امت اسلامی است که از مدینه النبی آغاز شد و به صورتی حیرت آور و افسانه‌وار، قدم در راه رشد کمی و کیفی نهاد. هنوز نیم قرن از ولادت این پدیده‌ی مبارک نگذشته بود که نزدیک به نیمی از تمامی قلمرو سه تمدن بزرگ باستانی همسایه‌ی خود، یعنی

۱. بیانات در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۸۹/۰۹/۱۰.

۲. بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد امیرالمؤمنین، ۱۳۸۱/۰۶/۳۰.

۳. علی اکبر ولایتی، فرهنگ و تمدن اسلامی، نشر معارف قم، چاپ سوم ۱۳۸۴، ص ۱۳۹.

ایران، رم و مصر را در نوردید و یک قرن پس از آن، تمدنی درخشان و حکومتی عزیز و مقتدر در مرکز جهان پدید آورد که از شرق به دیوار چین و از سوی دیگر به سواحل اقیانوس اطلس و از شمال تا استپ‌های سیبری و از جنوب تا جنوب اقیانوس هند می‌رسید. قرن‌های سوم و چهارم هجری و پس از آن، مزین به تمدنی آن چنان مشعشع است که پس از هزار سال، هنوز برکات علمی و فرهنگی آن را در مدنیت کنونی جهان، می‌توان به وضوح دید.»

ایشان این نکته را یادآور می‌شوند که: «غرض از این یادآوری، تفاخر به گذشته نیست. غرض یادآوری این حقیقت است که آنچه آن تمدن را پدید آورد - یعنی اسلام و معارف زندگی ساز آن - هم اکنون نیز در اختیار ماست و به ما هشدار می‌دهد: که «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ»^۱ اسلام ثابت کرده است ظرفیت آن را دارد که امت خود را به اعتلای مدنی و علمی و عزت و قدرت سیاسی برساند.»^۲

شبهه‌ای که در این زمینه مطرح است این است که در دوران شکوه تمدن اسلامی به خصوص از قرن دوم تا پنجم، احکام و دستورات اسلام محترم شمرده نمی‌شد بنابراین نمی‌توان نام این پدیده را «فرهنگ و تمدن اسلامی» گذاشت بلکه نام این تمدن را باید «فرهنگ و تمدن مسلمانان» نهاد.

پاسخ بدین شبهه چنین است که آنچه سبب شد تا این تمدن شکل گیرد، صرفاً اسلام بوده و اثر اساسی دین اسلام در طی این روند انکارناپذیر است، زیرا اگر سرزمین‌های فتح شده توسط مسلمانان دارای این توانایی، یعنی پرورش استعدادها درخشان‌هایی چون ابو علی سینا، محمد بن زکریای رازی، ابوریحان بیرونی، محمد بن

۱. سوره مبارکه انفال آیه ۲۴.

۲. بیانات در آغاز هشتمین اجلاس سران کشورهای اسلامی - ۱۳۷۶/۹/۱۸.

موسی خوارزمی می‌بودند، چرا در دوران قبل از اسلام از ظهور چنین نوابغی ناتوان بودند و اگر مسلمانان در مکه و مدینه می‌توانستند بر همه علوم و دانشها احاطه یابند، پس چرا پیش از آغاز فتوح، برجستگانی این چنین در میان ایشان روی نمود؟ باید گفت که تحقیقا این دو مقوله، یعنی نقش اسلام و مسلمانان در تمدن اسلامی قابل تفکیک نیست و اگر مصمم به جدایی این دو اصل گردیم، باز به همان بلیه‌ای دچار خواهیم شد که آنچه را صورت واقع ندارد، مورد توجه قرار دهیم و بگوییم تمدن ایرانی، تمدن عربی، یا... در حالی که تمدن ایرانی هیچ‌گاه پیش از اسلام به آن درجه‌ای که ایرانیان پس از اسلام بدان دست یافتند، نائل نگردید و اعراب هم طی عهد جاهلی، هیچ‌گاه از همان سطح عرب بیابانگرد و شهری خارج نشدند، اما اسلام عاملی شد تا فرهنگ اسلامی زمینه را برای شکوفایی تمدنی هموار سازد که به قول نه ایرانی است و نه عربی، در حالی که به روایتی هم ایرانی است، هم عربی، هم هندی و هم ترکی، فکرش ایرانی، زبانش عربی، خیالش هندی و بازویش ترکی است.^۱

این نکته را باید یادآور شد که یافتن یک الگوی مناسب و کارآمد، مستلزم پیمودن راههای رفته و طی شده به وسیله دیگران است لکن توجه به الگوهای گذشته به معنای این نیست که ذهن را از کاوش و جستجو برای یافتن الگوی جدید محروم و ممنوع می‌کند.

«پیشرفت برای همه‌ی کشورها و همه‌ی جوامع عالم، یک الگوی واحد ندارد. پیشرفت یک معنای مطلق ندارد؛ شرایط گوناگون - شرایط تاریخی، شرایط جغرافیائی، شرایط جغرافیای سیاسی، شرایط طبیعی، شرایط انسانی و شرایط زمانی و مکانی - در ایجاد مدل‌های پیشرفت، اثر می‌گذارد. ممکن است یک مدل پیشرفت برای فلان کشور یک مدل مطلوب باشد؛ عیناً همان مدل برای یک کشور دیگر

۱. عبدالحسین زرین‌کوب، کارنامه اسلام، تهران، انتشارات امیرکبیر، ص ۳۱.

نامطلوب باشد؛ بنابراین یک مدل واحدی برای پیشرفت وجود ندارد که ما آن را پیدا کنیم، سراغ آن برویم و همه‌ی اجزاء آن الگورا در خودمان ایجاد کنیم و در کشورمان پیاده کنیم؛ چنین چیزی نیست. پیشرفت در کشور ما - با شرایط تاریخی ما، با شرایط جغرافیائی ما، با اوضاع سرزمینی ما، با وضع ملت ما، با آداب ما، با فرهنگ ما و با میراث ما - الگوی ویژه‌ی خود را دارد؛ باید جستجو کنیم و آن الگورا پیدا کنیم. آن الگو ما را به پیشرفت خواهد رساند؛^۱

رهبر معظم انقلاب معتقدند:

برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی توجه به چهار عرصه‌ی فکر، علم، زندگی، معنویت ضروری است که هر کدام از این عرصه‌ها از جایگاه و اهمیت خاصی برخوردارند. در هر کدام از این چهار عرصه ابتدا باید وضعیت موجود را بررسی، آسیب‌ها و ضعف‌های گذشته را شناسایی کرد تا در دام تکرار و تقلید گرفتار نشویم؛ بنابراین توجه به گذشته بسیار حائز اهمیت است. سپس وضعیت مطلوب را در نظر گرفت و برای رسیدن به آن برنامه‌ریزی کرد.

بررسی تاریخ اسلام نشان می‌دهد که فرهنگ و تمدن اسلامی مسیری مضبوط و دقیق دارد و بر پایه منطقی قابل درک شکل گرفته است. بر همین اساس می‌توان با تحلیل و تعلیل تاریخ به مثابه‌ی کلیتی فراگیر و منسجم و مبتنی بر روابط قاعده‌مند، به گونه‌ای که نتایج آن معطوف به کارکردهای عینی باشد به دنبال پیاده‌سازی الگوهای تاریخی باشیم.

شهید مطهری در این رابطه می‌فرماید: «فلسفه‌ی تاریخ یعنی علم به تحولات و تطورات جامعه‌ها از مرحله‌ای به مرحله‌ی دیگر و قوانین حاکم بر این تطورات و تحولات؛ به عبارت دیگر علم به شدن جامعه‌ها نه بودن آنها.»^۲

۱. بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان ۲۷/۰۲/۱۳۸۸.

۲. مطهری، مرتضی، جامعه و تاریخ، تهران، صدرا، ۱۳۸۷، صص ۶۸-۶۷.

«آنچه به علل پیدایش تمدن‌ها و علل انحطاط آنها و شرایط حیات اجتماعی و قوانین کلی حاکم بر همه‌ی جامعه‌ها و همه‌ی اطوار و تحولات مربوط می‌شود، ما آنها را قوانین بودن جامعه‌ها اصطلاح می‌کنیم و آنچه به علل ارتقا جامعه‌ها از دوره‌های به دوره‌های و از نظامی به نظامی مربوط می‌شود ما آنها را قوانین شدن جامعه اصطلاح می‌کنیم».^۱

نرم افزار تمدن سازی (علم و فرهنگ و نظام معرفتی) همان الگویی است که در تمدن گذشته وجود داشته صد البته در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، شرایط فرق می‌کند؛ اما آنچه مسلم است این که به هر حال باید ما برای دست یابی به الگوی لازم به مولفه‌های اسلامی و ایرانی توجه کرده و با عملیاتی سازی آنها، گام در مسیر شکل گیری تمدن نوین اسلامی بگذاریم.

در بیانات مقام معظم رهبری برای چگونگی استفاده از الگوهای تاریخی معیارهایی قرار داده شده است.

توجه به اهداف الگوها

رهبر معظم انقلاب اسلامی الگویی را مناسب است که دارای این اهداف باشد:

الف. به دنبال ایجاد حیات طیبه باشد؛

ب. رفاه مادی جامعه را تامین کند؛

ج. عدالت، معنویت و اخلاق را در جامعه پیاده کند.^۲

توجه به ناکارآمدی

توجه به ناکارآمد بودن برخی الگوها، مقام معظم رهبری ناکارآمد بودن تمدن غربی را اینگونه بیان می‌دارند:

۱. همان، ص ۷۲.

۲. بیانات در دیدار با زائران و مجاوران بارگاه ملکوتی حضرت علی بن موسی ۱۳۸۳/۰۱/۰۲.

«ما پیشرفت را به شکلی که غرب دنبال کرد و پیش رفت، نمی‌خواهیم؛ پیشرفت غربی هیچ جاذبه‌ای برای انسان آگاه امروز ندارد. پیشرفت کشورهای پیشرفته‌ی غربی نتوانست فقر را از بین ببرد، نتوانست تبعیض را از بین ببرد، نتوانست عدالت را در جامعه مستقر کند، نتوانست اخلاق انسانی را مستقر کند. اولاً آن پیشرفت بر پایه‌ی ظلم و استعمار و غارت کشورهای دیگر بنا شد».^۱

الگوهای رایج توسعه، از لحاظ مبانی، غلط و بر پایه‌ی اومانیسیم و اصول غیر الهی هستند و از لحاظ آثار و نتایج نیز نتوانسته‌اند وعده‌هایی را که در خصوص ارزش‌هایی نظیر «آزادی» و «عدالت» داده بودند، محقق کنند.^۲

دقت رهبری در پیروی نکردن از الگوی غربی به اندازه‌ای است که به جای واژه توسعه از واژه پیشرفت استفاده می‌کنند؛ و معتقدند به کارگیری واژه توسعه مستلزم پذیرش عناصری پنهان در مفهوم توسعه است. چرا که این واژه برگرفته از تاریخ و ادبیات حاکم بر کشورهای غربی است.

«کلمه پیشرفت را ما با دقت انتخاب کردیم ما عمداً نخواستیم کلمه توسعه را به کار ببریم، علت این است که کلمه توسعه یک بار ارزشی و معنایی دارد التزاماتی با خودش همراه دارد که احیاناً ما با آن التزامات همراه نیستیم البته اینکه ما می‌گوئیم ایرانی یا اسلامی، مطلقاً به این معنا نیست که ما از دستاوردهای دیگران استفاده نخواهیم کرد؛ نه ما برای به دست آوردن علم، هیچ محدودیتی برای خودمان قائل نیستیم. هر جایی که علم وجود دارد، معرفت درست وجود دارد، تجربه‌ی صحیح وجود دارد، به سراغ آن خواهیم رفت؛ منتها چشم‌بسته و کورکورانه چیزی را از جایی نخواهیم گرفت. از همه‌ی آنچه که در دنیای معرفت وجود دارد و می‌شود از آن استفاده کرد، استفاده خواهیم کرد».^۳

۱. بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۹۲/۰۵/۱۵.

۲. دیدار اعضای شورای عالی «مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» با رهبر انقلاب ۱۳۹۵/۰۲/۰۶.

۳. بیانات در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی ۱۳۸۹/۰۹/۱۰.

اسلامی بودن الگو

مقام معظم رهبری الگو باید اسلامی باشد و منظور از اسلامی بودن یعنی استخراج مبانی و چارچوب‌ها از منابع اسلامی که بر مبانی نظری و فلسفی اسلام مبتنی باشد. ضمن اینکه مراحل و فرآیند طراحی و اجرای الگو باید برخاسته از اسلام باشد.

«این الگو، اسلامی است؛ به این دلیل که غایات، هدفها، ارزشها شیوه‌های کار، همه از اسلام مایه خواهد گرفت، یعنی تکیه ما به مفاهیم اسلامی معارف اسلامی است. خوشبختانه منابع اسلامی هم در اختیار ما وجود دارد؛ قرآن هست، سنت هست مفاهیم بسیار غنی و ممتازی که در فلسفه ما در کلام ما در فقه ما در حقوق ما وجود دارد بنابراین اسلامی هم به این مناسبت.»^۱

از بیانات رهبری اینگونه استنباط می‌شود که تأسیس الگوی اسلامی با اسلامی‌سازی الگوهای موجود متفاوت است. در تأسیس الگوی اسلامی روش‌ها و ابزارها موجود نیز اسلامی می‌شود؛ به عبارت دیگر در تأسیس الگوی اسلامی به دنبال تولید الگویی هستیم که مبتنی بر مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی اسلامی و در چارچوب اخلاق و حقوق اسلامی انجام می‌شود.

دین اسلام حلقه اتصال تمدن پیشین و تمدن نوین

چنانکه اشاره شد، تمدن برآیند حرکت تکاملی و اندوخته‌های مادی و معنوی بشر است. آنچه در گفتارهای رهبری درباره تمدن نوین مشاهده می‌شود تأکید بر عنصر اسلام است. چراکه انسان ممکن است نیازهای مادی تمدن را با تلاش‌های تجربی و عقلی تأمین کند؛ اما رفع نیازهای معنوی که زیر بنای زندگی و اساسی‌ترین بعد تمدن انسانی است، هرگز در توان محدود بشر نیست. ایشان معتقدند، دین همواره پیشرو

تمام مسائل اساسی بوده است و نظام‌های سیاسی و اجتماعی از بدو تاریخ تا امروز، بر بنیان عقاید دینی قرار گرفته است.

بنابراین آنچه مایه اتصال تمدن پیشین و تمدن نوین اسلامی می‌شود، دین اسلام است، البته این رابطه یک رابطه طولی است، نه یک رابطه عرضی.

باید توجه داشت که منظور از احیاء تمدن اسلامی این نیست که قرار است یک تمدن نو و بی‌ارتباط با تمدن اسلامی‌ای که در تاریخ از آن صحبت به میان آمده و مسلمانان به شکوه آن در مقاطعی از تاریخ افتخار می‌کنند، به وجود بیاید؛ یعنی تمدن نوین اسلامی در طول تمدن اسلامی در صدر اسلام، قرن چهارم و پنجم هجری و قرن نهم و دهم قرار دارد تمدن جدید از این جهت که میراث‌دار تمدن قبلی است، با تمدن قبلی رابطه طولی دارد. البته این ارتباط طولی در شرایطی است که بین تمدن قبلی و تمدن جدید تغییر ماهوی و جوهری مشاهده نشود.

با این توصیف، می‌توان گفت مراد آیت الله خامنه‌ای از نوعی تجربه نگاری در مباحث تمدنی آن است که بگویند تحلیل این تجربه اسلامی معاصر مبتنی بر تجربه تمدنی صدر اسلام و تاریخ مسلمانان که همه یک نقطه اتصال دارند که همان اسلام است حکایت از آن دارد که یک ظرفیت بسیار مهم در اختیار امت اسلامی و بلکه بشریت برای دستیابی به یک تمدن نوین اسلامی قرار دارد که باید به آن بها داده شده و به فرایند تکاملی آن اندیشیده شود.

«این حرکتی که امروز در برخی کشورهای شمال آفریقا و منطقه‌ی خاورمیانه مشاهده می‌شود، همان استفاده و استخوانه‌ی از نور اسلام و استفاده‌ی از جهت‌گیری دست مبارک پیغمبر اکرم است. لذاست که آینده‌ی این منطقه، آینده‌ی این کشورها، به توفیق الهی، به حول و قوه‌ی الهی، آینده‌ی روشنی است.»^۱

۱. بیانات در دیدار مسئولان نظام در روز عید مبعث ۱۳۹۰/۰۴/۰۹.

لازم به ذکر است بررسی عوامل انحطاط تمدن اسلامی می‌تواند برای دستیابی به تمدن جدید درس‌آموز باشد. بهره‌گیری از سنت تاریخی و تجربه جامعه اسلامی صدر اسلام، می‌تواند به شناخت هرچه بیشتر تمدن نوین اسلامی کمک کند.

عدم تقلید کورکورانه

«الگو»، در حقیقت نمونه عینی و مشهود یک فکر و عمل در ابعاد گوناگون است که برای رسیدن به کمال، از سوی دیگران پیروی می‌شود. در فرهنگ لغت، واژه الگو مرادف با تقلید است.^۱ اما باید مراقب بود این تقلید منجر به همسان‌سازی نشود. در واقع ایجاد تمدن جدید با توجه به مبانی فکری و شرایط محیط متفاوت است. یعنی تعدادی از شاخصه‌های تمدن در هر عصری بر اساس شرایط محیطی تغییرپذیر و دارای شدت و ضعف است. به همین دلیل مقام معظم رهبری نظریه تمدن نوین اسلامی را مطرح کرده‌اند.

«انسان باید همیشه از تجارب دیگران هم استفاده کند. ما بدمان نمی‌آید و ننگمان نمی‌کند که از دیگران یاد بگیریم. آنچه که بد است، این است که ما بیائیم الگوهای ملت‌های دیگر و فرهنگ‌های دیگر را به طور دربست در بین ملت و کشور خودمان پیاده کنیم و اقتضائات و شرائط و زمینه‌ها را اصلاً در نظر نگیریم.»^۲

البته استفاده از الگوهای تاریخی، می‌تواند بسیار سودمند باشد زیرا تشخیص قوت و ضعف الگوهای جدید با معیار و ملاک ارزش‌های الگوهای گذشته سنجش می‌شود. بنابراین برای طراحی الگوها علاوه بر مبانی اسلامی به شرایط تاریخی، فرهنگی و اجتماعی نیز باید توجه شود.

برنامه ریزی برای آینده

یکی از مهمترین دلایل مطالعه تاریخ، برنامه ریزی برای آینده است. اگر ما

۱. محمد معین، فرهنگ معین؛ تهران: فرهنگ ماهرخ، ۱۳۸۶. ص ۱۲۰.

۲. بیانات در دیدار جمعی از معلمان سراسر کشور ۱۳۹۰/۰۲/۱۴.

بخواهیم معطوف به آینده برنامه ریزی کنیم، حتما باید دارای فهم تاریخی باشیم.

فهم تاریخی در کوتاه‌ترین جمله، یعنی توان «نتیجه‌گیری». می‌دانیم که مهم‌ترین فرآیند اندیشه‌ورزی، نتیجه‌گیری است.^۱ به تعبیر دیگر، فهم تاریخی باعث می‌شود در برنامه ریزی برای آینده و رسیدن به تمدن نوین اسلامی موفق‌تر عمل کنیم.

با توجه به معارفی که از انبیاء الهی به ما رسیده است، درمی‌یابیم که انبیاء الهی نیز از گذشته برای آینده استفاده می‌کردند چون موضوع کارشان صرفاً معطوف به زمان خودشان یا حتی جامعه خودشان نبوده - خصوصاً انبیاء اولوالعزم و بویژه وجود مقدس نبی اکرم ﷺ و اوصیاء ایشان علیهم‌السلام - حتماً ناظر به یک افق روشنی در آینده تاریخ عمل می‌کردند؛ این گونه نبوده که آینده کار خودشان را ندانند و امر برایشان مبهم باشد، یا صرفاً ناظر به وضعیت حال عمل کنند. لذا از مسلمات همه ادیان الهی این است که خودشان را ادامه راه انبیاء گذشته می‌دانستند و ادیان گذشته را تایید می‌کردند. قرآن کریم در این باره فرموده است: «آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نَقْرُقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ»^۲ و یا در تعبیر دیگری در مورد وجود مقدس نبی اکرم ﷺ فرموده است او «مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ»^۳ بوده است. همه انبیاء این گونه بودند و پیشینیان را تصدیق می‌کردند و نسبت به آینده و انبیاء بعدی هم وعده و بشارت می‌دادند. در واقع یک مسیر و یک راه بوده است. و نکته دیگر اینکه همه انبیاء به بیان‌های مختلفی، وعده به دوران غلبه حق و دوران عصر ظهور می‌دادند که یک آینده روشنی پیش روی است و بعد از یک حوادث طولانی، آن آینده اتفاق خواهد افتاد.^۴

۱. سیدمحمد رضا عبادی، چهل پله با فصلنامه، فصلنامه مطالعات تاریخی، شماره ۴۱، تابستان ۱۳۹۲.

۲. سوره مبارکه بقره، آیه ۲۸۵.

۳. سوره مبارکه مانده آیه ۴۸.

۴. سیدمحمد مهدی میرباقری، جلسه ششم تبیین مبانی گفت‌وگو تمدن نوین اسلامی / فلسفه تاریخ و قواعد حاکم بر سیر جریان حق و باطل و اختلاط آنها در این عالم، پایگاه اطلاع‌رسانی آیت الله سید محمد مهدی میرباقری.

فهرست منابع و مآخذ

۱. اردلان محمد جواد، مفهوم تاریخ و فایده مندی آن از منظر شهید مطهری، فصلنامه ۱۵ خرداد، سال سوم بهار ۸۵، شماره ۷.
۲. حضرت آیت الله سیدعلی خامنه ای، بیانات (برگرفته از تارنمای www.khamenei.ir).
۳. حیدری، مریم، کاربرد مطالعات تطبیقی در تاریخ، فصلنامه فرهنگ پژوهش، شماره ۱۳، بهار ۹۲.
۴. داعیان، محمد جواد، نظریه بیداری اسلامی و پایان مکاتب اومانیستی، مجموعه مقالات همایش نظریه بیداری اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره) و آیت الله خامنه ای (مدظله العالی) www.farsi.khamenei.ir.
۵. زرین کوب عبدالحسین، تاریخ در ترازو، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۸.
۶. ساروخانی، باقر، روش های تحقیق در علوم اجتماعی، جلد ۲، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۳.
۷. عبادی، سیدمحمدرضا، چهل پله با فصلنامه، فصلنامه مطالعات تاریخی، شماره ۴۱، تابستان ۱۳۹۲.
۸. شفیعی، احمد، انقلاب اسلامی از منظر مقام معظم رهبری، فصلنامه حصون، بهار ۱۳۸۵، شماره ۷.
۹. صدر، سیدمحمدباقر، سنت های اجتماعی و فلسفه تاریخ در مکتب قرآن، ترجمه و نگارش حسین منوچهری، مرکز نشر فرهنگ رجاء، تهران ۱۳۶۹.
۱۰. عبدالحسین زرین کوب، کارنامه اسلام، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۲.
۱۱. فیاض ابراهیم، اصول اسلامی پیشرفت، دو هفته نامه پگاه حوزه، شماره ۲۵۸، ۱۳۸۸.
۱۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۹.
۱۳. محجوب، متین، پیکربندی دیدگاه های آیت الله خامنه ای درباره بیداری اسلامی بر پایه انگاره های فلسفه تاریخ، مجموعه مقالات همایش نظریه بیداری اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره) و آیت الله خامنه ای (مدظله العالی)، www.farsi.khamenei.ir، ۱۳۹۱.
۱۴. مطهری، مرتضی، جامعه و تاریخ، تهران، صدا، ۱۳۸۷.
۱۵. معین، محمد، فرهنگ معین؛ تهران: فرهنگ ماهرخ، ۱۳۸۶.
۱۶. میرباقری، سیدمحمد مهدی، جلسه ششم تبیین مبانی گفتمان تمدن نوین اسلامی / فلسفه تاریخ و قواعد حاکم بر سیر جریان حق و باطل و اختلاط آنها در این عالم، پایگاه اطلاع رسانی آیت الله سید محمد مهدی میرباقری.
۱۷. نبوی، بهروز، مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم اجتماعی، انتشارات کتابخانه فروردین، تهران، ۱۳۸۴.
۱۸. ولایتی، علی اکبر، فرهنگ و تمدن اسلامی، نشر معارف قم، چاپ سوم ۱۳۸۴.